

بازیهای محلی گازرون (۳)

حسن حاتمی

از: گازرون

اتل مثل تو توله

برای این بازی ابتدا یک نفر را بنام استاد معین می‌کنند و سپس بقیه بازیکنان در یک ردیف بر زمین می‌نشینند و پاهای خود را بجلو دراز می‌کنند. استاد ترانه‌هایی می‌خواند و با هر کلمه از این ترانه‌ها بتوبت انگشت برپای یکی از بازیکنان می‌گذارد. کلمه آخر هر ترانه برپای هر کدام از بازیکنان افتد آن بازیکن پای خود را جمع‌می‌کند و به‌پیمین ترتیب تا آخرین نفر که نفر بازنده محسوب می‌شود و او را بدین صوت جریمه می‌کنند که سر او را بردامن می‌گیرد و انگشتان خود را بصورت «سیخ» یا «سه پایه» بر پشت او وارو می‌گیرد و از او می‌پرسد:

«تپ تپو... پشت تپو... تپوتپو... ناقاره تپو... سیخ یا سه پایه... ؟»
اگر جواب او درست باشد برمی‌خیزد و الا بر پشت او مشت می‌زنند و باز همان سوال را تکرار می‌نمایند. اینست چند تا از ترانه‌هایی که در این بازی خوانده می‌شود:

«اتل.. مثل، تو توله - گاو حسن کوچوله - نه شیردازه نه بسون (بستان) شیرش ببرهندستون .. بک زن هندی بسون (بستان) بحق خاز برچین .. پاهای خود را برچین ..»

ترانه دیگر: «اتل مثل . طوطی مثل . توتیسه بردار موبتر ، بریم بچنگ کانظر .. کانظر هی کرد هو کرد ، کله شاه دم کرد .. سی و سه تاش کم کرد .. بحق شاه مردان . یک پای خود بگردان .»
مثل در اصطلاح محلی به‌معنی قسه و افسانه است .

گو - گوساله - فتگیل - پنیر

این بازی بدین‌صورت عمل می‌شود: ابتدا استادی از میان بازیکنان

انتخاب میشود و سپس سایر بازیکنان بگرداو بر زمین می‌نشینند. است
 چهار چیز مختلف کوچک را تهیه کرده سپس آنها را نامگذاری
 کند. یکی از آنها را: گاو ... دومی را گوساله - سومی را فنگیل و چهارم
 که سفید رنگ است پنیر - آنگاه استاد یکی از آن اشیاء را در دست
 میگیرد و از يك يك بازیکنان نام آنرا می‌پرسد. هر کدام از آنها که
 پاسخ صحیح داد از بازی کنار می‌نشیند تا نفر آخر... آخرین نفر را به هم
 صورت که در بازی داتل، متل « گفته شد تنبیه می‌کنند ».

کیلی، مسه

« کیلی - چوب کوچکی با اندازه ۲۰ سانتی و « مسه » (به ضم «
 و کسرو تشدید « س » بمعنی دسته) با اندازه ۴۵ سانتی متر میباشد. در ا
 بازی دودسته ۳ نفری شرکت دارند. ابتدا « کیلی، کیلی » کرده در دست
 که بتواند بیشتر چوب بزرگتر را زیر چوب کوچکتر در هوا بزند، چو
 بازی را آندسته آغاز خواهد کرد. بدینصورت که « کیلی » را بر زم
 طوری میگذارند که نوک آن رو بهوا باشد و آنگاه « مسه » را بر نو
 آن زده، چوب کوچک بهوا میبرد - بازیکن باید بچابکی « مسه » را
 هوا به « کیلی » برند و آنرا بدور پرت کنند. تمام افراد هر دسته تا زمانیکه
 چوبشان به کیلی میخورد این عمل را انجام میدهند مگر اینکه « مسه »
 « کیلی » نخورد که بازی در این هنگام بدست گروه دیگر میافتد. بهر
 مقدار مسافتی که « کیلی » بدور میافتد اندازه میگیرند و سپس اندازه ها
 با هم جمع میکنند. هر گروه که بتواند زودتر حد نصاب را بدست آور
 باز « کیلی کیلی » میکنند و به تعداد ضرباتی که در هوا به « کیلی » زده میشود
 کیلی را بدور میاندازند و سپس از همان نقطه که « کیلی » میافتد
 ضربت دیگری بآن میزنند. این ضربات بتعداد همان ضرباتی است که
 « کیلی کیلی » بدست آورده اند. در آخرین نقطه ای که « کیلی » میافتد
 نشان میگذارند و بازنده ها باید بی آنکه نفس بخورند « زی الله .. ز
 الله » گویان آن مسافت را بیمایند .. هر مقدار ازین مسافت که ساخته
 نتوانستند بیمایند برنده هارا بردوش سوار خواهند کرد و مسافت باقی مانده
 بدینسان طی خواهند کرد .

در این بازی اصطلاحاتی هم هست که شرح داده میشود: یک
 اصطلاح « گل گرفتن » و آن بدینصورت است که بازنده ها « کیلی

را در هوا بگیرند که گر توانستند این کار را بکنند از تنبیه معاف خواهند شد. دیگر « تا کردن » و آنهم بدینصورت است که باخته ها سعی می کنند که اگر نتوانستند « کل بگیرند » حداقل دستشان در هوا به « کیلی » بخورد تا مقداری از سافت معینی که باید طی کنند بدینوسیله کم شود. در اینجا تذکری هم لازم است و آن اینکه این بازی در هر شهر و محلی بنام های گوناگونی معروف است. در اصفهان « پله چفته » مینامند، در کاشمر آنرا « کال بازی » در شیراز « آلك دولك » میگویند عربها هم بآن « قله و مقلاء » میگویند.

(دنباله دارد)



اندیشه

ای برادر تو همین اندیشه ای

مابقی تو استخوان و ریشه ای

گر گل است اندیشه ، تو گلکشی

و پرتاب بود سخازی آنی ، تو هیسه گلسخنی

(مولوی)

نرگس

نرگسک آن طشت سیم ، باز بسر بر نهاد

بر سر سیمینه طشت ، طاسک زر بر نهاد

در وسط طاس زر ، زرین پر بر نهاد

بر پر زرین او ، زاله کهر بر نهاد

تا شود آن زر خشک ، از کهرش آبدار

(قاآنی)